

## این تاکتیک درست نیست

در حاشیه پتیشین جمع آوری امضا در اعتراض به دستگیریهای روز جهانی کارگر

تحولات چند ماهه اخیر درون جنبش کارگری ایران بدون تردید نشانه های امید بخشی از آغاز دورانی جدید در جنبش کارگری را به نمایش می گذارند. اعلام متحدانه کمپین برای آزادی دستگیر شدگان روز جهانی کارگر نقطه اوج تاکنونی این تحولات را به نمایش می گذارند. آرایش جنبش کارگری ایران به طور کلی و چپ ایران به طور مشخص در پایان این دوره قطعاً آرایش تاکنونی آن نخواهد بود. به این اعتبار توازن قوای بین کار و سرمایه نیز در پایان این دوران متفاوت از دوره های تاکنونی خواهد بود. دامنه و عمق این تحولات و همچنین نقاط قوت و ضعف آن بررسی مفصل تری را ضروری می کنند که باید در نوشته ای جداگانه و در خور اهمیت موضوع بدان پرداخت. آنچه اما نوشتن یادداشت حاضر را ضروری کرده است، اقدامی است که در چند روز اخیر در دستور کار سازمان دهندگان کمپین قرار گرفته است که به نظر نگارنده نه تنها بر متن سیاستهای عمومی پیش برنده این مبارزه قرار ندارد، بلکه به زیان آن نیز تمام خواهد شد. موضوع بر سر اقدام به تهیه پتیشین جمع آوری امضا از جانب فراخوان دهندگان کمپین در داخل کشور است. تلاش خواهم کرد به موجز ترین شکلی دلایل نادرستی این اقدام را بیان کنم.

1- پتیشین جمع آوری امضا برای اعتراض به آزادی دستگیر شدگان روز جهانی کارگر (از این پس فقط پتیشین) یک اقدام اینترنتی و فاقد هرگونه خصلت سازماندهانه است. برخلاف اقدام به جمع آوری طومار امضا برای افزایش دستمزدها، پتیشین (که صرفاً نام دیگری برای همان طومار است) اساساً استفاده کنندگان از اینترنت را مد نظر دارد و این استفاده کنندگان نیز اگر نه همه، لاقلاً بخش اعظم آن در خارج از کشور زندگی می کنند. به این اعتبار این پتیشین اساساً معطوف به خارج از کشور است و نه به کارگران کارخانجات و واحدهای تولیدی و خدماتی داخل کشور. در کمپین مبارزه برای افزایش دستمزدها، جمع آوری طومار به درستی برای مدتها از عرصه اینترنتی پنهان بود. کار جمع آوری امضا در آن کمپین معنایی جز مراجعه حضوری به تک تک کارخانجات و تماس با تک تک کارگران نداشت. همین نیز خصلت سازماندهی به آن کمپین می بخشید که پتیشین یکسره فاقد آن است. به این اعتبار آن پانزده هزار امضاء کمپین افزایش دستمزدها هم از درون کارگران جمع شده بود و هم به معنای برقراری هزاران ساعت ارتباط و گسترش شبکه روابط فعالین جنبش کارگری بود، در حالی که امضاهای اینترنتی فاقد همه اینهاست. علاوه بر این روشن است که از نظر تأثیرگذاری نیز جمع آوری صدها و یا حتی چند هزار امضاء اینترنتی نه تنها چهره نیرومندی از کمپین آزادی دستگیر شدگان به نمایش نخواهد گذاشت، بلکه این چهره را ضعیف نیز خواهد کرد. هر ناظری این تعداد امضاء اینترنتی را با پانزده هزار امضای کمپین افزایش دستمزدها از کارگران واحدهای مختلف مقایسه خواهد کرد. به این ترتیب کمترین زیان پتیشین کاستن از اعتبار تشکلهای فراخوان دهنده کمپین خواهد بود.

2- بر خلاف کمپین افزایش دستمزدها، پتیشن در نقطه آغاز یک مبارزه و به عنوان شکل اولیه و قابل ارتقاء آن ظاهر نمی شود. برعکس زمان اعلام پتیشن مقارن است با زمان اوجگیری مبارزات حمایتی در خارج از کشور. اعلام پتیشن در شرایطی صورت گرفت که در خارج از کشور کمپین گسترده و متنوعی آغاز شده بود و به برگزاری آکسیونهای مبارزاتی قابل توجهی نیز رو آورده بود. بنا بر این پتیشن نمی توانست نقطه آغازی برای ایجاد یک کمپین باشد. خود کمپین در خارج از کشور به اشکال عالی تر و به مراتب مؤثرتری از اعتراض رو آورده بود.

3- پتیشن به هیچ وجه قادر نخواهد بود به نیازهای مبارزاتی این دوره پاسخ دهد. این پتیشن یک طومار مطالباتی نیست که در مقابل مقامات جمهوری اسلامی قرار بگیرد و دور تازه ای از نبرد بر زمین قانون را به آنان اعلام کند. پتیشن یک پیمان نامه اعتراضی بین امضا کنندگان است که به نص صریح متن خود آن "از تمامی تشکل ها و نهادهای کارگری و حقوق بشر داخلی و بین المللی" می خواهد "که با تمامی توان خود و به فراخور امکانات خود و از هر طریق ممکن، ضمن محکوم کردن دستگیری این عزیزان و درخواست برای آزادی بی قید و شرط آنان به حمایت های گوناگون و متناسب با توان خود از این عزیزان و خانواده های آنان و اصرار بر مطالبات اعلام شده در قطعنامه اول ماه مه این کارگران بپردازند". بنابر این سؤالی که در مقابل سازمان دهندگان کمپین در داخل کشور طرح می شود این است که آیا حقیقتاً دستگیری 150 نفر در اول ماه مه و اعلام متحدانه کمپین از جانب بیش از 23 جمع و تشکل کارگری و آغاز عملی مبارزه در خارج از کشور برای به حرکت درآوردن حمایت بین المللی کافی نبود که جمع آوری امضا برای آن لازم باشد؟ به نظر من تنها یک ارزیابی نادرست از ظرفیتهای و ابعاد مبارزه در لحظه کنونی میتواند به چنین نتیجه گیری ای منجر شود. ابعاد دستگیریهای و ابعاد واکنش متحدانه تشکلهای کارگری در داخل کشور و ابعاد اعتراض در حال اوج خارج از کشور تماماً نشان می دهند که این مبارزه در سطحی دیگر آغاز شده است و به سطوح عالی تری نیز ارتقا خواهد یافت. پتیشن یک گام، آن هم یک گام بزرگ، به عقب است. پتیشن معیاری را برای ارزیابی از قدرت کمپین پیش رو می گذارد که به سطح بمراتب پائین تری از مبارزه مربوط است. شاخص قدرت کمپین آزادی دستگیر شدگان امروز در تعداد امضاهای حمایتی نیست، در آکسیونهای خیابانی و کارخانه ای است. اگر آکسیونهای کارخانه ای را به دلیل شرایط پلیسی حاکم بر درون کشور نمی شود همین امروز به راه انداختن، آکسیونهای خیابانی در خارج از کشور را می شد به راه انداختن و به راه انداخته اند. پتیشن در حالی می توانست به عنوان مکملی در مبارزات به کار گرفته شود که با متنی متفاوت و به عنوان اقدامی مشخص گروههای معینی از احزاب، شخصیتها و یا گروهها - به طور مثال شخصیتهای هنری و سیاسی منتقد - در سطح بین المللی و یا حتی شخصیتهای ادبی و هنری منتقد در سطح کشوری را خطاب قرار داده و حمایت آنها را مد نظر داشته باشد.

4- پتیشن تا همین لحظه حاضر فی الحال به مخدوش کردن سطوح مختلف مبارزه جاری منجر شده است. امری که در مقابل همه فعالین و علاقمندان به جنبش کارگری و در مقابل همه آزادیخواهان شریف قرار گرفت بود، سازماندهی اشکال مؤثر مبارزه برای عقب راندن تعرض وسیع جمهوری اسلامی بود و آغاز قدرتمند کمپین در خارج از کشور از یکسو و اقدام

متحدانه 23 جمع و تشکل در اعلام رسمی کمپین از سوی دیگر حقیقتاً این امیدواری را ایجاد می کرد که این بار مقاومتی مؤثر و سنگین این موج سرکوب را قدرتمندانه عقب براند. پتیشن یکباره همه این مقاومت را نادیده گرفته و آن را به پیمان نامه ای اینترنتی تقلیل داد. تاکتیک پتیشن دقیقاً همان شکلی را برگزید که در سالهای اخیر بکرات آزموده شده و ناکارایی خود را نشان داده اند و آخرین نمونه آن هم در کمیته دفاع از کارگران هفت تپه مشاهده شد. تبدیل اقدام مبارزاتی به جمع آوری امضا در اینترنت چیزی جز انتقال میدان مبارزه از زمین واقعی به زمین مجازی اینترنت نیست. مسأله نمیتوانست حضور نیرومند مدیایی در اینترنت باشد. این حضور هنگام اعلام پتیشن به اندازه کافی تأمین شده بود. دهها و شاید صدها سایت و وبلاگ اینترنتی در طی همین مدت کوتاه به انعکاس این مبارزه پرداخته بودند و هنوز هم می پردازند. بنابر این پتیشن در این زمینه هیچ تأثیر مثبتی از خود بر جا نگذاشت و نخواهد گذاشت. اما این تأثیر بسیار منفی تا همین امروز از این اقدام حاصل شده است که حمایت مؤثر و عملی را تا حد گذاشتن یک امضا تقلیل داده است. نگاهی به لیست اولیه امضا کنندگان پتیشن نشان میدهد که چگونه حمایت عملی ناچیز جلوه داده شده و اسامی سمبلیک به عنوان حامیان کمپین به کسب اعتبار سیاسی برای خود می پردازند. در میان آن اسامی اولیه امضاهایی از قبیل "سایت صدای مردم" و "سایت خبری روند نو" و "سایت آوای زن" به چشم میخورد که تا به امروز کمترین فعالیت را در حمایت از مبارزات کارگران نشان داده اند و همین امروز هم هنوز بخشا حتی کوچکترین قسمت سایت خود را هم به انعکاس اخبار مبارزات کمپین اختصاص نمی دهند. این در حالی است که در لحظه اعلام پتیشن دهها اطلاعیه رسمی حمایتی از جانب مجامع و تشکلهای مختلف صادر شده بود و تشکلهای مختلف نیز یا به برگزاری آکسیونها دست زده بودند و یا برگزاری چنین آکسیونهایی را اعلام کرده بودند. منطق حاکم بر پتیشن اما همه اینها را ندیده میگیرد. تصادفی نیست که در ایمیل ارسال شده از جانب برخی تشکلهای کارگری در ایران به فعالین کمپین در خارج از کشور قرار گرفتن نام این فعالین در شمار حمایت کنندگان از کمپین مؤکداً به گذاشتن امضاء آنان گره زده می شود. عین عبارت این تشکلهای چنین است: "با تشکر از حمایت شما از این کمپین. نام شما (چنانچه اطلاع داده باشید) به لیست حامیان این کمپین اضافه شده است". این منطق اولاً حمایت را به گذاشتن امضا تقلیل داده است. این منطق به تقویت انگیزه مخاطب در دست زدن به اقدامی مؤثر منجر نمی شود. برعکس، احساس کاذب تسکین را به مخاطب خود القا می کند. ثانیاً بر اساس این منطق "صدای مردم" رسماً حامی کمپین اعلام می شود در حالی که "گروه همبستگی با جنبش کارگری در برلین" که اولین جلسه اینترنتی اضطراری را برای سازمان دادن به یک کمپین مؤثر فراخوانده بود و همه 220 نفری که در آن جلسه عزم متحد خود را برای آغاز کارزار جدی به نمایش گذاشتند، به شرطی حامی کمپین قلمداد خواهند شد که امضاء رسمی خود را برای سازمان دهندگان کمپین ارسال کنند. بر اساس این منطق "روند نو" رسماً حامی کمپین اعلام می شود و کمیته هایی که در همین مدت اخیر و مشخصاً برای سازماندهی مبارزه برای آزادی دستگیر شدگان تشکیل شده اند، در لیست حامیان کمپین جایی ندارند. برای یادآوری: در همین مدت کوتاه اخیر "کمیته تلاش برای آزادی دستگیر شدگان اول ماه مه - استکهلم"، "شورای حمایت از دستگیر شدگان اول ماه مه ایران - استکهلم"، "کمیته دفاع از دستگیر شدگان اول ماه مه در فرانکفورت" و سرانجام کمیته ای با نام مشابه

در پاریس تشکیل شده اند که مشخصا وظیفه مبارزه برای آزادی دستگیر شدگان را در مقابل خود قرار داده اند. علاوه بر همه اینها احزاب چپ متعددی نیز رسماً در این زمینه اعلام موضع کرده اند و از میان این احزاب به طور مشخص "حزب کمونیست ایران"، "حزب کمونیست کارگری ایران" و "حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست" یا رسماً به برگزاری آکسیونهای اعتراضی اقدام نموده اند و یا برگزاری چنین آکسیونهایی را اعلام کرده اند. منطق حاکم بر پتیشن قادر به انعکاس این مبارزه واقعی نیست و حمایت صوری را به جای آن می نشانند. این گامی است برای کاهش و نه ارتقاء روحیه مبارزاتی.

5- و سرانجام این که سازماندهندگان تاکتیک پتیشن به روشی نادرست به دخالتگری در روند تحولات در میان فعالین چپ و علاقمندان به جنبش کارگری در خارج از کشور رو آورده اند. بحث رابطه میان خارج و داخل همواره از مباحثات داغ بین فعالین سیاسی چه در داخل و چه در خارج از کشور بوده است و کماکان نیز خواهد بود. تا به امروز اساس انتقادات به فعالین خارج از کشور بود که به شیوه مرضیه "کنترل از راه دور" به قضاوت درباره تحولات جنبش کارگری می نشستند و به قولی از کنار گود لنگ کردن حریف را می خواستند. با تاکتیک پتیشن این ماجرا این بار از سویی دیگر در مقابل ما قرار گرفته است. این بار این مبارزان داخل کشورند که خواسته یا ناخواسته در سطحی به دخالت در روند مبارزه در خارج از کشور پرداخته اند که در حیطه فعالیت آنان نیست. سازمان دهندگان کمپین اعتبار معنوی و سیاسی ناشی از اعلام متحدانه کمپین از جانب 23 جمع و تشکل کارگری داخل کشور را با دخالت اجرایی در مبارزه خارج کشور مخدوش کرده اند. یک ارزیابی درست حکم می کرد که این سازمان دهندگان به تشخیص صف بندیهای در حال شکل خارج از کشور می نشستند و به جای جمع آوری امضا با موضعگیریهای سیاسی سنجیده و بموقع به تقویت سیاسی همه آن گرایشاتی دست می زدند که مبارزه ای جدی برای همگرایی عملی در خارج از کشور را آغاز کرده اند. درک این نکته از داخل کشور نباید چندان دشوار باشد که برگزاری یک تظاهرات مبارزه جویانه در مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی و اقدامات مبارزه جویانه ای فراتر از این، به مراتب در تقویت مبارزات جنبش مؤثرتر واقع خواهد شد تا چند صد حتی چند هزار امضاء. این را از داخل کشور نمی توان رسماً اعلام کرد. اما میتوان تشخیص داد و میتوان از دست زدن به اقداماتی خودداری کرد که خلاف چنین چیزی را القا می کنند. امروز و به یمن مبارزه مشترک تشکلهای کارگری داخل کشور در چند ماه اخیر، در میان فعالین چپ خارج از کشور یک جابجایی محسوس در حال وقوع است. اصلی ترین محورهای این جابجایی را در تقویت همگرایی بین فعالین چپ از یک سو و در گسترش روحیه مبارزاتی و روی آوردن به اقدامات مؤثر مبارزاتی از سوی دیگر میتوان دید. اعتبار معنوی و سیاسی تشکلهای سازماندهنده کمپین در داخل کشور می تواند به نحو محسوسی در شکل دادن به این روند مثبت مؤثر واقع شود. شرط اولیه چنین تأثیرگذاری ای اما خودداری از دخالت عملی در روندهای جاری در خارج از کشور است. همانطور که در مورد عکس آن نیز چنین است. تاکتیک پتیشن بر خلاف چنین روندی است، زیرا که در شفاف شدن صف مبارزاتی خارج از کشور اخلاص ایجاد می کند، کسانی را در موقعیت طلبکار از جنبش قرار می دهد که حتی کمترین نقش را نیز در پیشبرد آن ایفا نکرده اند و کسانی را که با صداقت تمام برای پیشبرد

جنبش از خود و زندگی خود مایه گذاشته اند، به سایه میبرد. نورافکنها را باید بر چنین  
تلاشهایی متمرکز کرد. چه در داخل و چه در خارج.

امید به این که رفقای سازمانده کمپین برای آزادی دستگیر شدگان اول ماه مه به تجدید نظر در تاکتیک  
نادرست پتیشن دست زنند.

بهمن شفیق

31 اردیبهشت 1388

21 مه 2009